

بلوهر و بیوزسف به شرح نظام تبریزی: نسخه‌های کتابخانه ملک و کتابخانه موزه بریتانیا

مقدمه

استاد محمد روشن در مقدمه بر بلوهر و بیوزسف اثر نظام تبریزی از این کتاب به عنوان متنی منحصر به فرد نام می‌برد که اصل نسخه خطی آن در گنجینه کتابخانه ملک به شماره ۴۱۸۷ نگهداری می‌شود.^۱ سی و چهار سال پیش از آن در ۱۹۷۱، دانیل ژیماره در چاپ انتقادی متن همین داستان بر مبنای شرح عربی اسماعیلی از نسخه دیگری از این اثر نظام تبریزی یاد می‌کند که در کتابخانه موزه بریتانیا به شماره OR 13214 قرار دارد. به گفته ژیماره این نسخه بلوهر و بیوزسف میان سال‌های ۸۰۱ تا ۸۰۳ هجری نوشته شده است^۲ که با توجه به تاریخ نگارش نسخه ملک به سال ۸۱۰، ۷-۹ سال کهن‌تر از نسخه چاپ شده است. هر دو نسخه بدست همای تبریزی مشهور به طبیب برادر نظام نگاشته شده‌اند. ژیماره در پرداخت متن مقابله‌ای خود از شرح اسماعیلی از نسخه لندن استفاده کرده است. نشانه‌ای در دست نیست که او نسخه تهران را دیده باشد اما مشخصات دقیقی از آن بدست می‌دهد و اشاره می‌کند که نخستین بار علی اصغر حکمت در کتاب از سعدی تاجمی، تهران ۱۳۲۷، از آن نام برده است (۴۳، پانوش ۷۲). در میان کسانی که ژیماره در ابتدای کتاب خود از آنان سپاس‌گزاری می‌کند نام غ.ا. کریمی (G.A. Karimi) به خاطر مطالب مربوط به شرح فارسی نظام به چشم می‌آید.

ناآشنایی اهل ادب ایران با روایت‌های دیگر این داستان که به زبان‌های دیگر نوشته

شده‌اند، و نیز گام‌های آغازین پژوهشی به وسیله استادان ایرانی درباره این کتاب، و همچنین توجه به اینکه انتشار نسخه کتابخانه ملک بزرگترین گام و هدیه ایرانیان در حوزه بلوهر شناسی در بیش از سی سال اخیر است، نیاز به بررسی نسخه موزه بریتانیا را برجسته می‌سازد.

از این رو، به خواهش من و یاری مسئولان مرکز پژوهشی میراث مکتوب یک کپی از این نسخه دوم تهیه و در اختیارم گذاشته شد. فکر اولیه این بود که در صورت وجود تفاوت‌های شگرف بین این نسخه و متن چاپ شده به انتشار مستقل متن موزه بریتانیا اقدام شود. پس مقایسه واژه به واژه این دو نسخه انجام و تفاوت‌ها مشخص و دسته‌بندی گردید. آنچه در پی می‌آید بازگویی مهمترین این تفاوت‌هاست، و اهمیتی که می‌تواند در پژوهش‌های مربوط به روایت داشته باشند.

نسخه مورد اشاره ژیماره در کتابخانه موزه بریتانیا متن نخست مجموعه‌ای است که دیگر متن‌های آن به این شرح‌اند: (۱) رشف الامحاط، (۲) ملتقاط خمسہ نظامی، (۳) شرح الاسماء و (۴) سلوان المطاع. شرح بلوهر و بیوذاسف در این مجموعه ۱۰۷ صفحه دارد. صفحه اول سفید است و بر آن تنها شماره OR 13214 نوشته شده است. بقیه صفحات یک در میان و در بالای صفحات زوج به انگلیسی شماره خورده‌اند. هر صفحه بین ۳۵ تا ۳۷ سطر نوشته دارد و در بعضی جاها نیز دست خط آن چنان تغییر می‌کند که گمان وجود دو نسخه بردار را به ذهن می‌آورد. برای ساده کردن ارجاع و اشاره به تفاوت‌های دو متن، در همه موارد به شماره صفحه و - در صورت لزوم - سطر متن چاپ شده نسخه ملک اشاره کرده‌ام.

مؤلف منبع اولیه شرح نظام تبریزی

یکی از افتادگی‌های مهم نسخه ملک نام مترجم اولیه نسخه نظام است که به قصد نوشتن بعدی توسط کاتب خالی گذاشته شده است. اصولاً "نظام مدعی آوردن شرحی برای داستان بلوهر و بوذاسف نیست. او می‌گوید که کتاب بلوهر و بیوذاسف را در کتابخانه شاهی دیده و مطالعه کرده است (ص ۶) و چون مترجم عربی به فارسی آن درازگویی کرده است او تنها به اختصار کتاب دست یازیده است و موردی را هم برای به عنوان سند ارایه می‌نماید (ص ۷). نظام تبریزی این مترجم را که از او به عنوان "فاضل

کامل و عالم عامل" (ص ۷) یاد می‌کند نام می‌برد اما کاتب در نسخه کتابخانه ملک جای نام را خالی می‌گذارد تا بعد با جوهر سرخ آن را بنویسد اما گویا فراموش می‌کند و در نتیجه این افتادگی در نسخه ملک باقی می‌ماند. خوشبختانه، نسخه موزه بریتانیا این افتادگی را ندارد و نام "سراج المله و الدین محمد بن محمد بن محمد الغزنوی" همچون مترجم متن از عربی به فارسی که حاصل کار او پایه شرح نظام است داده شده است. ژیماره درباره این نام چنین می‌نویسد: "به صورت منطقی می‌توان اندیشید که او نویسنده‌ای از قرن‌های پنجم - ششم هجری و وابسته به دربار غزنویان باشد. آنچه این فرضیه را تأیید می‌کند این است که نسخه برگردان فارسی اثری کاملاً قابل مقایسه، یعنی کتاب کيله و دمنه، دقیقاً برای حاکمی غزنوی و در حدود ۵۴۰ هجری صورت گرفت."^۳ او همچنین در پانوشت توجه می‌دهد که نام آن مترجم، یعنی سراج الدین الغزنوی، شبیه نام مختاری شاعر (متوفی ۵۴۴ یا ۵۴۹ هجری) است که در واقع "سراج الدین عثمان بن محمد الغزنوی" خوانده می‌شود.

تعیین نام مترجم و زمان زندگی او برای تعیین سیر گردش و مهاجرت اثر اهمیت بزرگی دارد. شرح ابن بابویه در نیمه قرن چهارم هجری در نیشابور گردآوری شد و شرح اسماعیلی از این هم کهنه‌تر است (ژیماره آن را میان سالهای ۹۰۰ - ۷۵۰ میلادی جای می‌دهد: ۲۷۹ - ۱۲۹ هجری). روایت یونانی که یک بازنویس از دفاعیه دینی آریستید^۴ را در خود گنجانده است در دسته بندی که از ادیان اریه می‌دهد نامی از اسلام نمی‌برد و مجادلات خود را در برابر ادیان یهود، مسیحی و چند خدایی (کلدانی، یونانی و مصری) مستدل می‌کند.^۵ در اینکه متن یونانی پس از اسلام و با در دست داشتن نسخه‌ای همانند شرح اسماعیلی و به دست مترجمی گرجی پرداخت شد تردیدی نیست. اما در عین حال غیبت دینی به بزرگی و جهان گستری اسلام در رساله‌ای دینی که به اثبات صانع و رد بت پرستی نظر دارد می‌تواند به این مفهوم باشد که پرداخت نویسنده رساله آریستید و گنجاندن آن در داستان بلوهر پیش از پیدایش اسلام صورت گرفته باشد و مترجم گرجی که داستان را به یونانی ترجمه کرده است به آن شرح نظر داشته است. نگارنده شواهدی در نسخه نظام یافته است که به لحاظ استدلالی با این پرداخت از دفاعیه آریستید پیوندهایی دارد و می‌تواند در صورت تعیین حدود تاریخی پیدایش ترجمه مأخذ نظام به یافتن ارتباط میان این دو شرح کمک کند. نسخه

کتابخانه بریتانیا با رفع نقص نسخه ملک از نظر بدست دادن نام مترجم شرح مأخذ نظام، راه را برای پژوهش حدود تاریخی پیدایش آن ترجمه هموارتر می‌کند.

نام شخصیت اصلی داستان

نام شه زاده از آن موارد کلیدی است که در کنار رویدادها و نشانه‌های درون متنی، ارتباط این داستان با شرح زندگی بودا را قطعی می‌سازد. متن عربی اسماعیلی از شه‌زاده به "بوداسف" (Būdāsf) یاد می‌کند که برابر با سنت نگارش و خواندن این نام در ادب پارسی است. در بندهشن هم این نام به همین صورت آمده است.^۶ شیخ صدوق در اکمال الدین از او به "یوداسف" نام می‌برد.^۷ ملا محمدباقر مجلسی هم به پیروی از اکمال الدین نام شه زاده را در عین الحیوه به همین صورت بدست می‌دهد. متن گرجی شه‌زاده را "آیوداساف" (Iodasaph) می‌نامد. در متن یونانی این نام به صورت "آیوزاف" (Ioasaph) می‌آید. یوزافات / جوزافات (Josaphat) لاتینی شده این نام است که در گزارش مختصر شرح یونانی به زبان لاتین به کار برده شد، همان شرحی که در Golden Legend منتشر شد.

تمام این نام‌ها با هم دارای ارتباط بوده و صورت‌های نگارشی متفاوت یک اسم هستند. تغییر نگارش "بوداسف" (نسخه عربی اسماعیلی) به "یوداسف" در نزد شیخ صدوق شاید ناشی از مشکلات نقطه در الفبای عربی و فارسی و اشتباه نسخه برداران باشد که "؟" را "؟" خوانده باشند. تردیدی نمی‌توان کرد که نام به کار برده شده در متن یونانی (Ioasaph) شکل یونانیزه شده "یوداسف" است. با توجه به این که نَسَبِ متن یونانی با واسطه متن گرجی به شرح عربی اسماعیلی یا شرحی نزدیک به آن می‌رسد نام شه زاده در متن گرجی (Iodasaph) با حفظ "د"، "س" و "ف" در کتابت شرح اسماعیلی آشکارا این مرحله میانی بودن نسبت به شرح‌های اسماعیلی و یونانی را نشان می‌دهد. تردیدی نیست که یوزافات یا جوزافات هم لاتینی شده نگارش یونانی نام شه زاده است. اما تغییر حرف آغازین "ب" به "؟" (Io) بدون توضیح می‌ماند یعنی یا مترجم متن گرجی باید "؟" را به اشتباه "؟" خوانده باشد یا این که از روی نسخه‌ای دست به ترجمه زده است که به رغم نزدیکی محتوایی با شرح اسماعیلی شیوه ابن بایویه در نام گذاری شه زاده را دنبال کرده باشد.

«بوداسف»، و صورت‌های دیگرش مانند «بوداشف» و «بوداسف» خود فارسی شده «بودیستوه»^۸ - نام سیدارتا گوتاما بودا قبل از بودا شدن - اوست، همان طور که «بود» و «بت» هر دو به «بودا» دلالت دارند. «بودیستوه» به قابلیت بودا شدن دلالت دارد و همچنین مشخص می‌کند که قهرمان داستان خود بوداست. محمد روشن در مقدمه متن چاپ شده، دکتر میرعبدینی (صص ۱۱ و ۲۱)^۹ و دکتر عابدی (ص ۱۰۶)^{۱۰} هم این نظر را در مورد اشتقاق بوداسف از بودیستوه بیان می‌کنند. برخلاف برخی نظرات بیان شده شفاهی مانند آنچه در مراسم رونمایی کتاب در ششمین نشست علمی مرکز نشر میراث مکتوب در دی ماه ۱۳۸۲ گفته آمد هیچ ارتباطی میان تکواژ آخر «بوداسف» با هجای آخر نام‌هایی مانند بیوراسپ، لهراسپ و گشتاسب وجود ندارد. «اسب» در این نام‌ها تغییر شکل یافته «اسب» است (برای مثال: بیوراسب یعنی دارنده ده هزار اسب) و از ریشه ایرانی این نام‌ها حکایت می‌کند. با پذیرش هم ریشگی «بوداسف» با نام‌های ایرانی و شکستن آن به دو تکواژ بوذ (بود) + اسب (با معنایی که از آن مراد می‌کنیم) تکواژ آغازین (بوذ/بود) بدون معنا و توضیح ناپذیر می‌ماند. در حالی که، همان طور که در بالا گفته شد، نام «بوداسف» تغییر شکل یافته بودیستوه است و مانند داستانی که در قالب آن به کار برده می‌شود (از تولد، کودکی تا به روشنی رسیدن شخصیت داستان) بدون تردید به بودا ارجاع می‌کند. برای اینکه ارتباط این داستان با زندگی بودا روشن‌تر شود خواننده را به شرح ابن بابویه ارجاع می‌دهم که داستان را مطابق با زندگی بودا تا آخر، یعنی تا به روشنی رسیدن زیر درخت بودهی ادامه می‌دهد: همان بخشی را که نظام تبریزی حذف می‌کند و به همین خاطر پایان داستان آن قدر مصنوعی می‌شود.

درست است که متن یونانی بسیار به متن اسماعیلی نزدیکی دارد اما این باعث نشده است که نام شاهزاده را مانند این کتاب نگارش کند و در عوض نگارش سنت دیگر، یعنی مانند شرح شیخ صدوق را در پیش گرفته است و همین خوانش هم وارد زبان‌های اروپایی شده است. همچنین تردیدی وجود ندارد که نویسنده گرجی در هنگام نوشتن شرح خود متنی نزدیک به شرح اسماعیلی را پیش رو داشته است، اما او نیز به جای «ب» با «ی» شروع کرده است. با توجه به این دو شرح و نیز املائی نام شه زاده در متن شیخ صدوق تردیدی نیست که خواندن نام شه زاده به «یوداسف» به همان ریشه داری خواندن نام او به «بوداسف» است. آنچه دیده می‌شود وجود دو شیوه خواندن نام

شاهزاده در عربی و فارسی است که به موازات هم وجود داشته‌اند: متن اسماعیلی نام او را با "؟" آغاز می‌کند اما تمام شرح‌های دیگر آن را با "ی" آغازین می‌نویسند. تنها در شرح نظام تبریزی است که املائی نام شخصیت اصلی داستان به صورت بیوڈشف داده شده است. در این مورد نیز، نوشتن این نام با دو املائی مختلف در نسخه موزه بریتانیا به ما اجازه می‌دهد تا حتی با تردید و تشکیک خود نظام تبریزی یا کاتب او در درستی کاربرد این املا روبرو می‌شویم. در حالی که در سرتاسر نسخه ملک نام شه زاده به صورت "بیوڈسف" بدست داده شده است، نسخه کتابخانه موزه بریتانیا در کاربرد "بیوڈسف" و "بیوڈاسف" نوسان دارد. این نسخه از این املا غیر از در سرفصل بخش‌ها و دو مورد در ابتدای داستان استفاده نمی‌کند و در سرتاسر متن تنها شکل "بیوڈاسف" را به کار می‌برد و دو بار نیز "بیوڈاسف" (به فتح ذال) می‌نویسد (صص ۱۹۴ و ۲۰۷). با توجه به مقدم بودن تاریخی نسخه موزه بریتانیا به نسخه ملک این امر نشان از این دارد که در زمان‌های نزدیک تر به نگارش شرح نظام هنوز پژوهاکی از کاربرد دقیقتر نام شه زاده در متن می‌پیچد و هر چه دورتر می‌شویم خوانش آن بیشتر تغییر می‌کند.

آنچه در نگارش نام شه زاده در شرح نظام تبریزی مهم است این است که دو شیوه موازی آغاز نام شه زاده را با هم در خود دارد: در نگارش "بیوڈاسف"، "ب" و "ی" را با هم داریم، نگارشی که تا کنون تنها در این شرح دیده شده است. در توضیح این که چرا نظام تبریزی به جای ارائه سر راست نام شه زاده به "بوڈاسف" یا "یوڈاسف" آن را به صورت "بیوڈاسف" نگاشته است - مطلب زیادی نمی‌توان گفت. محمد روشن در مقدمه کتاب آن را ممال "بوڈاسف" می‌داند (ص سیزده). در نشست مرکز میراث مکتوب به مناسبت رونمایی کتاب حدسی بر این مبنا بیان گردید که این اسم می‌تواند ترکی شده "بوڈاسف" باشد. این حدس پایه استدلالی ندارد و تنها به مناسبت این که نظام اهل تبریز بوده است گفته می‌شود. اگر زبان مادری نظام تبریزی این قدر در کار او تأثیر می‌داشت که در بازنویسی یک متن ترجمه نام شخصیت اصلی آن را ترکی گونه کند این تأثیر نباید تنها به این مورد محدود شود و در سایر نام‌ها، واژگان، عبارات و شیوه نگارش هم باید ردهای دیگری به جا بگذارد - و چنین موردی یافت نمی‌شود. در مقاله‌ای که در "دومین کنگره جایگاه تمدن تورانی در میان سایر تمدن‌ها" در

بیشکک، قرقیزستان ارائه دادم به شواهدی در نسخه نظام تبریزی اشاره کردم که از نظر قدمت به متن اصلی یعنی بوداچریتنه حتی از شرح اسماعیلی هم نزدیکتر است. به عبارت دیگر نسخه نظام در سلسله نسب خود به شرحی از داستان بلوهر و بوذاسف می‌رسد که از همه شرح‌های دیگر کهنه‌تر است و نیای آنها بوده است. شاید در آن شرح - که به حتم به زبانی از خانواده زبان‌های ایرانی بوده است - نام شه زاده با واکه‌ای خوانده می‌شد که صدای آن چیزی میان "ب" و "ی" بوده و شرح‌های مختلف داستان در تغییرات بعدی زبان شناختی و تفکیک‌های بعدی علایم الفبایی با گزینش "ب" یا "ی" راه خود را رفته باشند. اگر این مطلب و جهی از حقیقت علمی را در خود داشته باشد، کاربرد "بوذاسف" برای نام شه زاده دلیل دیگری خواهد بود بر اینکه شرح نظام، با همه اضافات و تحریفاتی که به مرور زمان در نسخه مأخذ آن و در خودش صورت گرفته است، شواهدی از صورت قدیمی‌تر داستان را در خود حفظ کرده است که در شرح‌های دیگر اثری از آنها نمانده است.

سولابط یا سوبلاط

شهر محل تولد بودا و کاپیلاواستو یا کاپیلاواتو ۵۹ نام دارد و همین نام است که در داستان بلوهر و بوذاسف هم راه یافته است. در متن عربی اسماعیلی که توسط ژیماره به فرانسه ترجمه و منتشر شده است نام شهر را به صورت شَوْلَابَط^{۱۱} داده است و در مقدمه علاوه بر نوشتن آن با الفبای فرانسه نوشته عربی آن را هم آورده است. او می‌نویسد که در نوشتن نام‌های خاص و از جمله نام این شهر، روش ترجمه‌های کوهن و روزن را دنبال کرده است و آن را به اعتبار ارتباط آن با نام اصلی کاپیلاواتو درست می‌داند هر چند که می‌پذیرد نسخه‌های ابن بابویه و نظام تبریزی این خوانش را تأیید نمی‌کنند (ص ۶۲). البته باید توجه داشت که ژیماره به نسخه کتابخانه موزه بریتانیا نظر دارد. آنچه باعث تعجب است این است که بر خلاف نظر ژیماره متن ابن بابویه با این خوانش توافق دارد و نسخه موزه بریتانیا هم در یک بار این املا را به کار می‌برد جز اینکه حرف واکه آغازین "ش" را "س" می‌خوانند و به جای شَوْلَابَط، سولابط می‌نویسند. به پیروی از شیخ صدوق، باقر مجلسی هم در عین الحیوه همین شکل را به کار می‌برد. با توجه به اینکه نسخه بردار شرح نظام، پای بند رعایت نقطه گذاری نیست نمی‌توان یقین داشت

که حرف مورد نظر او "س" بوده و "ش" نبوده است.

در متن گرجی که حد فاصل متن‌های اسماعیلی و یونانی است از شهر به Sholait یاد می‌کند که به زعم مترجم آن به انگلیسی بازتولید خوانش عربی سولابط است (لانگ، ص ۵۳، پ ۱). متن یونانی با هدف بدست دادن متنی مسیحی و نزدیک کردن اسامی به حوزه واژگان عهد عتیق نام شهر را به صورت شنعار^{۱۲} بدست می‌دهد.

نسخه‌های موجود نظام تبریزی درباره نام درست این شهر آشفته‌اند. نام شهر در این شرح در سه موضع بدست داده می‌شود: (۱) هنگام زادن شه‌زاده، (۲) هنگامی که شه‌زاده قصد گردش در شهر می‌کند، و (۳) هنگام ورود آغازین بلوهر برای دیدن شه‌زاده. هر دو نسخه در موضع اول و در آغاز داستان از شهر به سولابط یاد می‌کنند (ص ۱۴ س ۶). برخلاف تمام نسخه‌های دیگر که از شهر پس از شروع داستان نام برده می‌شود تنها در نسخه نظام تبریزی است - و این امتیازی برای آن است - که نام شهر در آغاز داستان و در موقعیت طبیعی آن در کنار دیگر اطلاعات مربوط به نام و موقعیت پادشاه و کشور داده می‌شود. نام شهر بار دوم و در هنگام دیدار شه‌زاده از شهر برده می‌شود. در هر دو نسخه در این موضع این نام دو بار، یک بار در عنوان بخش (تیترا) و یک بار در متن نوشته می‌شود. نسخه ملک در هر دو مورد آن را بر خلاف بار اول به صورت سولابط می‌نویسد (ص ۱۳۹) اما در نسخه موزه بریتانیا در عنوان بخش همانند بار اول آن را سولابط و چند کلمه بعد سولابط می‌نویسد. موضع سوم مربوط به هنگامی است که بلوهر در لباس بازرگانان از شهر سران‌دیپ به شهر شه‌زاده وارد می‌شود. هر دو نسخه در اینجا از شهر به سولابط یاد می‌کنند (ص ۱۴۵).

این آشفتگی نسخه نظام تبریزی در بدست دادن نام شهر می‌تواند آشکار کننده چیزی بیشتر از اشتباه کاتب باشد، به ویژه اینکه نسخه قدیمتر (بریتانیا) یک بار بیشتر از نسخه جدیدتر، آن هم در تیترا که لازمه توجه و تمرکز بیشتری از ناحیه نسخه بردار است املائی دوم را می‌دهد. چنانچه به ترتیب "ک"، "پ" و "ل" در نام باستانی Kapilavastu یا Kapilavatthu دقت کنیم ترتیب "س"، "ب" و "ل" در سولابط بهتر از سولابط این نام را بازتاب می‌دهد. این امر می‌تواند دلیلی بر این باشد که نسخه نظام تبریزی در کنار شواهد درون متنی دیگر موارد کهنه‌تری از صورت اصلی داستان را حفظ کرده باشد و نسخه موزه بریتانیا به ما کمک می‌کند شواهد بیشتری در تأیید این ادعا داشته باشیم.

تصرف نظام تبریزی در داستان

شرحی که از نظام تبریزی در دست ماست بدون تردید دارای حجم زیادی مطالب الحاقی و اضافی است. یک مقایسه سطحی این شرح با متنی که شیخ صدوق یا محمدباقر مجلسی بدست داده‌اند کافی است تا روشن شود حجم این شرح حداقل دو برابر شده است. آنچه کار را در بررسی این امر دشوار می‌کند که اضافات از کدام مرحله به این داستان راه یافته‌اند تا شرح فعلی پرداخت شده است یافت نشدن ترجمه‌ای است که نظام شرح خود را از روی آن پرداخته است. در میان شرح‌های عربی نسخه‌ای نزدیک به این شرح وجود ندارد. اضافات نسخه نظام حاصل دست و ذهنی است که بر فلسفه‌ای عقل‌گرا و گرایش بارز شیعی نظر دارد. تعیین اینکه چه مقدار از این اضافات کار مترجم و چه مقدار از دست نظام تبریزی است در شرایط کنونی ناممکن است.

نظام تبریزی ادعا می‌کند که اصل نسخه ترجمه عربی به پارسی که دست او بوده متنی دراز و زیاده‌گو بوده و او با زدودن حشو و تکراری و غیر ضرور "مقاصد شریفه کتاب را از آن موانع پاک گردانیده" است (ص ۹). این ادعا قابل پذیرش است که بخش بزرگی از افزوده‌ها به داستان پاکیزه و مختصر اصلی حاصل دست "سراج المله و الدین محمد بن محمد بن محمد الغزنوی" مترجم عربی به پارسی نسخه مأخذ نظام تبریزی باشد و برای آن شاهدی درون متنی هم داریم. در پایان مجلس چهارم بلوهر و بوذاسف مترجم یک باره در متن دخالت می‌کند و می‌نویسد:

بلوهر چون این حکایت تمام کرد، ملک زاده از سماع آن تعجب نمود و به مجالست و مؤانست او شعف افزود و میان ایشان بعد از آن سؤال و جواب علمی نرفت، لکن جهت آنکه غرض اعظم و مقصود اهم در ترجمه این کتاب تنبیه غافلانست و ارشاد مسترشدان، و این معنی جز به علم و عمل تمام نشود، سئوالی چند از قول ملک‌زاده در افزودیم، و به جواب آن از زبان بلوهر حکیم راه نمودیم، آن مقدار که مکلفان را از دانستن آن ناگزیر بود و رهروان طالب سعادت را متمسک و دستگیر. (صص ۲۷۸ - ۲۷۷).

اما با این همه، نسخه نظام تبریزی تمام ویژگی‌های سبکی نثر مصنوع و متکلف را دارد و نمی‌توان پذیرفت که متنی که در زمان‌های پیشتر نوشته شده باشد و مأخذ کار

نظام قرار گرفته است اطناب، تکلف و تصنع بیشتری از متنی داشته باشد که نگاشته اوج دوره نثر مصنوع است.

همچنین نسخه موزه بریتانیا غیبت و شاهی از نوشته خود نظام بدست ما می‌دهد که پذیرش بی‌چون و چرای ادعای نظام به کاهش نقش خود تا حد یک پیرایش‌گر را دشوار می‌کند. در نسخه ملک عباراتی آمده است که در نسخه موزه ی بریتانیا غایبند و بیشتر این فکر را تقویت می‌کنند که ذکر اختصار متن از سوی نظام تبریزی ادعایی است که با گذشت زمان تأکید بر آن بیشتر است تا زمان‌های نزدیک‌تر به نگارش کتاب. در نسخه ملک پس از عبارات‌های "بر وجهی اختصار کردم که اگر ارباب خبرت و اصحاب فطنت آن را با اصل مقابله کنند به هزار زبان تحسین فرمایند،" (ص ۹) این جملات آمده است: "و مقدار رتبت مختصر آن را در سخن بشناسند چه نظامی کاری شگرف است و بحر سخن دریایی ژرف و فی الجمله اگر از راه انصاف تحسین نکنند تهجین نفرمایند." این عبارات در نسخه موزه بریتانیا وجود ندارند و نوشته‌های پیشین بلافاصله با "و اگر بر سبیل مروت آفرین نگویند" ادامه می‌یابد. به علاوه نظام تبریزی می‌پذیرد که در "محلّی چند جلیل تصرفی قلیل کرده" (ص ۱۰) است. نسخه کتابخانه ملک در این موضع دارای افتادگی است. در نسخه موزه بریتانیا چنین می‌خوانیم:

جزالت عبارت را آن مناسب‌تر دیده ... [عبارت ناخوانا] که اگر در استرداد و دیعه روح ... [یک کلمه ناخوانا] و امهالی واقع شود آنرا فایده چند ضروری که مؤید و مکمل مطالب مسترشدان و متمم مقاصد مستعدان بود مذیل گردانم تا بر حسب للذین احسنوا الحسنی و زیاده خطوط مطالعان ازان فزونی پذیرد و بر مقتضای ولدنیا مزید باضافت افاضت نکات علمی و لطایف حکمی صفت نور علی نور گیرد ان شالله تعالی. (برابر با ص ۱۰ س ۱۵)

با این گفته‌ها، به این نظر روشن می‌رسیم که خود نظام در پیدایش شرح مفصل کنونی نقش داشته است و مواردی را به کتاب اضافه نموده است. او همان‌طور که بخش‌هایی را حرس کرده است، مواردی را هم از بیرون به کتاب پیوند زده است.

افتادگی‌های نسخه ملک

اختلافات کوچک در حد یک و یا چند کلمه بین دو نسخه بسیار زیاد است که

بازنویشت همه آنها در اینجا لازم نیست، اما چنانچه انتشار نسخه‌ای نهایی در نظر باشد توجه به آنها لازم است. آنچه در زیر فهرست می‌شود افتادگی‌های مهمی است که ویراستار در نسخه چاپ شده ملک با سه نقطه (...) مشخص نموده - که حکایت از افتادگی یا ناخوانایی است، یا اینکه در نسخه موزه بریتانیا هست و در نسخه ملک نیامده است و یا اینکه با نسخه چاپ شده اختلافی را نشان می‌دهد.

(۱) ص ۱ سطرهای ۳ تا ۷ (نخستین بند کتاب) (تمام بند نیاز به بازنویسی دارد):
"فواتح شکری که روایح آن خیاشیم جانرا عطر مزید سایید و لطایف حمدی که طرایف آن بر توالی زمان به عدم تباهی گراید جناب معبودی را سزد که بفرمان اله له الخلق و الامر سلطان عقل را بر سریر سلطنت اول ما خلق الله العقل نشانند و بحکمت بی‌علت و قدرت بی‌آلت میان سمک و سماک بساط عناصر گسترده و شرفات غرفات افلاک برافراشت و چندین هزار نقوش مختلف بر صفحه صحیفه وجود نگاشت؛"

(۲) ص ۱ س ۱۰: "و چون جهان هستی را؛"

(۳) ص ۳ سطرهای ۱ تا ۶: "و چون بر حسب الدنيا مزرعه الاخره صلاح حال این نوع جز به اصلاح امور دنیوی تیسر نمی‌پذیرفت و نظام عالم ملکوت جز به قوام عالم ملک صورت نمی‌بست و حصول این مطلوب جز به وجود شهرباران کامل و خسروان عادل محال می‌نمود. بنابراین وجود فرقه مخصوص و طایفه معدود را مورخ با دسایسی آراسته کرد و فره ایزدی در جبین ایشان ودیعت نهاد و دست ایشان در حل و عقد و قبض و بسط و امر و نهی و رتق و فتق مطلق گردانید با مهابت شمشیر آبدارشان آب روی شریعت بادید آمد و آتش فتنه و فساد معاندان منطفی شد؛"

(۴) ص ۳ سطر آخر: "و جهانیان به خصوص ارباب علم و اصحاب هنر؛"

(۵) ص ۲۰ سطر ۱۵: "بل حصول این حال و وصول بدین کمال مر این کودک را از جهت دین و دیانت خواهد بود و بنسک و عبادت نه از جهت مکانت و ریاست و ملک و این طفل در علم و عمل علمی از اعلام عالم خواهد بود؛"

(۶) ص ۳۲ س ۱۵: "پس چون قوت عقل که حاکم راست بین است؛"

(۷) ص ۵۰ سطرهای ۹ و ۱۰ (رباعی): "صیدم بشد و گسست دام این بترست / می درد شد و شکست جام این بترست / دل سوخته گشت و کار خام این بترست / دین ناقص و دنیا نه تمام این بترست؛"

- ۸) ص ۶۳ سطر ۴: "در تکفیر و تظلیل"
- ۹) ص ۱۰۵ س ۱۷: "جانب تردد ایشان بر ترک آن راجح بود؛"
- ۱۰) ص ۱۰۵ س ۱۷: "هر آینه پیش او جانب تردد ایشان بر ترک آن راجح بود؛"
- ۱۱) ص ۱۱۳ س ۱۵: "دو رذیلت که آن شره است و خمود؛"
- ۱۲) ص ۱۹۲ س ۱۱: "قدرت امضای آن می‌کند که وجود مدعیات دفعه بی‌زمان حاصل آید. علم و حکم که هم عین قدرتست تقاضای آن می‌کند که حوادث؛"
- ۱۳) ص ۲۴۰ س ۱۰: "پس جوهر محدث باشد و این برهانیت قاطع بر حدوث جواهر و هر چه خداوند ماهیت بود و ماهیت او غیر وجود بود و جواهر روحانی؛"
- ۱۴) ص ۲۹۴ س ۲۲: "قسم اول علم عدد و تقدم او از آنست که این علم منزع است از اجسام طبیعی؛"
- ۱۵) ص ۳۱۲ عنوان صفحه: "قسم دوم در بیان الفاظ مرکبه که آنرا قول و قضیه خوانند؛"
- ۱۶) ص ۳۲۵ س ۲: "و به سیرت از آنها که در حق انسان فرمود؛"
- ۱۷) ص ۳۴۰ عنوان صفحه: "داستان ملک زاده اسیر و تعبها که در سفر بدو رسید."

تفاوت‌های نگارشی

در کنار موارد نوشته شده در بالا، دو نسخه در سطح واژگان نیز اختلافاتی با هم دارند که می‌توان فهرستی از مهمترین آنها در سه گروه بدست داد:

الف) اختلاف واژگان

- ۱) نسخه بریتانیا تمام موارد عدد ترتیبی "سوم" در نسخه موزه ملک را به صورت "سیم" نوشته است؛
- ۲) از بی‌دقتی‌های نسخه ملک آنکه در چندین جا، مانند صفحات ۲۱، ۴۶، ۶۹ و ۲۷۶ "رباعی" را "شعر" نوشته است. این موارد در نسخه موزه بریتانیا به صورت درست آمده‌اند. عکس این نیز در صفحه ۱۶۰ صورت گرفته است که کاربرد "رباعی" درست است و نسخه بریتانیا به غلط "شعر" نوشته است.
- ۳) ص ۱۶ س ۴: "سمندر" را "سمندل" نوشته است؛
- ۴) ص ۳۶ س ۵ "رباعیه" را "رباعی" نوشته است که درست است؛

(۵) ص ۴۸ س ۱۳ "رباعی" را "شعر" نوشته است که درست است. در نسخه ملک مصراع چهارم این رباعی مانند مصراع دوم به "کلاب" ختم می‌شود که در نسخه بریتانیا "زیاب" است و با معنی شعر جور در می‌آید. محمد روشن نیز در توضیح معنای شعر این ناهمخوانی را متوجه شده و نوشته است "صحیح این کلمه کلاب معلوم نشد" (ص ۳۷۵) (۶) نام "غروان خادع" در نسخه ملک (صفحه ۸۰ به بعد) در نسخه بریتانیا "غروان خادع" نوشته شده است؛

(ب) وارونه سازی ترتیب واژگان

یکی از موارد جالب اختلاف میان این دو نسخه جابجا نمودن ترتیب واژگان در عبارات دو یا چند کلمه‌ای است. این اختلاف نظام‌مندتر از آن به نظر می‌آید که به حساب بی‌دقتی نسخه بردار گذاشته شود. نگارنده خود را دارای صلاحیت اظهار نظر در مورد علت این تغییرات، که در دوره کوتاه ۹ - ۷ ساله رخ داده‌اند نمی‌داند و آنها را جهت بررسی استادان فن، ثبت و ارزیابی می‌نماید. موارد سمت چپ مربوط به نسخه موزه بریتانیا هستند و از این رو کاربردی نزدیکتر به دوره نظام را نشان می‌دهند:

- (۱) ص ۴۳ س ۱۵: منتظر و مترصد - مترصد و منتظر
- (۲) ص ۴۷ س ۲۴: عام و خاص - خاص و عام
- (۳) ص ۵۵ س ۲۳: فنا و زوال - زوال و فنا
- (۴) ص ۶۴ س ۴: توقیر و تفخیم - تفخیم و توقیر
- (۵) ص ۷۱ س ۱۶: ظواهر و سرایر - سرایر و ضمائر
- (۶) ص ۸۲ س ۱۹: صوتی خفیف و همسی لطیف - صوتی لطیف و همسی خفیف
- (۷) ص ۸۴ س ۲۲: ایدای انبیا و افنای اولیا - ایدای اولیا و افنای انبیا
- (۸) ص ۸۵ س ۱۳: ساده طبعی و سلیم قلبی - سلیم قلبی و ساده طبعی
- (۹) ص ۹۸ س ۱۵: قادری و عالمیست - عالمی و قادریست
- (۱۰) ص ۱۰۹ س ۴: حرص و کبر - کبر و حرص
- (۱۱) ص ۱۱۰ س ۱۴: قوه و قوت - قوت و قوه
- (۱۲) ص ۱۱۴ س ۱۱: شهوات و لذات - لذات و شهوات
- (۱۳) ص ۱۱۴ س ۲۰: عقل و شرع - شرع و عقل
- (۱۴) ص ۱۱۶ س ۲۲: متواتر و متواصل - متواصل و متواتر

- (۱۵) ص ۱۱۸ س ۷: خرسندی و قناعت - قناعت و خرسندی
 (۱۶) ص ۱۲۰ س ۱۰: مقتضی و موجب - موجب و مقتضی
 (۱۷) ص ۱۲۳ س ۱۸: زی و زهد - زهد و زی
 (۱۸) ص ۱۳۰ س ۲۰: نساک و عباد - زهاد و نساک
 (۱۹) ص ۱۳۰ س ۲۲: حجاب و نواب - نواب و حجاب
 (۲۰) ص ۱۳۷ س ۱۶: هر سال بل هر ماه - هر ماه بل هر سال
 (۲۱) ص ۱۵۱ س ۹: وزرا و امرا - امرا و وزرا
 (۲۲) ص ۱۶۶ س ۱۸: شطرنج رنج با حریف نامرادی باختی - حریف نامرادی با شطرنج رنج باختی
 (۲۳) ص ۲۳۱ س ۲۳: صحبت و الفت - الفت و صحبت
 (۲۴) ص ۲۳۴ س ۲۳: ضعف و عجز - عجز و ضعف
 (۲۵) ص ۲۳۸ س ۲۰: ممکن الوجود بالذات یا ممتنع الوجود بالذات - ممتنع الوجود بالذات یا ممکن الوجود بالذات
 (۲۶) ص ۲۴۷ س ۱۰: نزاع و خلاف - خلاف و نزاع
 (۲۷) ص ۲۴۸ س ۹: اضلال و اغوا - اغوا و اضلال
 (۲۸) ص ۲۵۴ س ۳: مباحثت و مفاوضت - مفاوضت و مباحثت
 (۲۹) ص ۲۶۶ س ۱۵: زبان ادای شکر آن نعمت - زبان ادای شکر نعمت آن
 (۳۰) ص ۲۸۵ س ۶: اول نظر - نظر اول
 (۳۱) ص ۳۰۲ س ۵: مضرت و منفعت - منفعت و مضرت
 (۳۲) ص ۳۱۱ س ۱۱: قایم و قاعد - قاعد و قایم
 (۳۳) ص ۳۲۳ س ۱۰: یا از آن جهت - یا از جهت آن
 (۳۴) ص ۳۴۴ س ۲۰: نساک و زهاد - زهاد و نساک

(پ) جدانویسی

نسخه موزه بریتانیا در مواردی واژه‌های ترکیبی را شکسته و جدانویسی را بیشتر از نسخه ملک رعایت نموده است؛ مثال: "ره گذر" برای رهگذر، "دی روز" برای دیروز، "دوزخ اند" برای دوزخند.

کلام آخر

ما به چایی انتقادی و مقابله‌ای از این داستان بر مبنای کلیه شرح‌های موجود، و به ویژه نسخه‌های خطی منتشر نشده فارسی نیاز داریم، به ویژه اگر قرار باشد مالکیت معنوی این اثر کهن سال برای ایران بازیافت شود. به نظر من شرح نظام با همه حشویاتی که در آن راه یافته و حجم آن را دو برابر کرده است شواهدی درون متنی را در خود حفظ کرده است که در هیچ شرح موجود دیگری نیستند و از صورت اصلی و قدیم داستان باقی مانده‌اند. نسخه موزه بریتانیا نه تنها افتادگی‌های چندگانه نسخه کتابخانه ملک را ندارد بلکه از حیث دقت کاتب در نسخه برداری از نسخه دومی برتر است. به عبارت دیگر، هر چند خود این نسخه از بی‌دقتی خالی نیست، اما مواردی را بهتر از نسخه ملک حفظ نموده است. در حالی که این داستان در دانشگاه‌های آمریکای شمالی تا سطح کارشناسی ارشد موضوع پایان‌نامه‌های تحصیلی قرار می‌گیرد جای پژوهش‌ها و چاپ‌های کار شده و نهایی از نسخه‌های موجود در ایران - زادگاه اثر - خالی است. بنابراین، آنچه از این مطالعه برای حوزه بلوهر شناسی حاصل می‌شود این است که نسخه موزه بریتانیا از این نظر اهمیت و دقتی برتر از نسخه ملک دارد.

معنای این سخن البته آن نیست که این کتاب سنت سومی در کنار دو سنت اصلی داستان بلوهر و بوذاسف یعنی شرح عربی اسماعیلی و شرح شیخ صدوق تشکیل می‌دهد. آن دو شرح کماکان، و تا پیدا شدن نسخه‌ای کهن‌تر، دو روایت اصلی داستان را تشکیل خواهند داد و تمام شرح‌های دیگر بیانگر مراحل میانین دگردیسی این دو روایت در انطباق با شرایط گذر تاریخ و مهاجرت آنها به فرهنگ‌های دیگر هستند. آنچه شرح نظام تبریزی را برجسته می‌سازد این است که هر چند نزدیکی‌های بیشتری با متن ابن بابویه دارد اما قدمت بخش‌هایی از آن حتی از متن اسماعیلی هم فراتر می‌رود. نسخه موزه بریتانیا، جز در مورد اختلاف نگارشی نام "سولابط" یا "سولابط" که به لحاظ اشتقاق واژگانی مهم است، بر دانش ما در زمینه این شواهد کهن نمی‌افزاید اما می‌تواند به عنوان نسخه مکمل متن چاپ شده شرح نظام مشکلاتی از آن را رفع کند.

پی نوشت‌ها

۱. بلوهر و بیوزسف، پنجاه و یک
۲. ژیماره، ۴۳
۳. ژیماره، صص ۴۵ - ۴۴
4. The Apology of St. Aristides
5. Woodward & Mattingly, 399
۶. بندهشن، فرنیغ دادگی، به گزارش مهرداد بهار، انتشارات توس، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۱.
۷. اکمال‌الدین و تمام النعمه، جلد دوم، ص ۲۷۳
8. Bodhisattva
۹. میر عابدینی، سید ابوطالب، بلوهر و بوذاسف به روایت شیخ صدوق و ملامحمدباقر مجلسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶.
۱۰. عابدی، محمد، «بلوهر و بیوزسف و داستان آن»، آینه میراث، دوره جدیدسال دوم، شماره سوم پاییز ۱۳۸۳ (پیاپی ۲۶)، مرکز نشر میراث مکتوب، تهران.
11. Kapilavastu / Kapilavath
12. Šawilābatt
13. Senaar